

نقش عاطفه در اجتماع

- ۱ - عاطفه چیست ؟
- ۲ - تأثیر عاطفه در نسل بشر
- ۳ - باید عقل رهبر عواطف باشد ؟
- ۴ - عاطفه از نظر اسلام
- ۵ - گفتار بزرگان دین
- ۶ - گفتار دانشمندان جهان
- ۷ - از بین رفتن عواطف و ضرر آن
- ۸ - نقشه‌های استعمال !

* * *

۱ - عاطفه چیست ؟

عاطفه تحولی است در روح بشر ، که نمودار خداپرستی و نوع دوستی است ، و از صفات پسندیده و کمالات روحی بشمار میرود . عواطف و احساسات بشرانی نمیباشد بلکه تابع شرائط زمان و مکان و معاشرتهاست ؛ بنابراین میشود افرادی که جامعه را طوری تربیت نمود که دارای عالیه ترین مراتب احساسات و عواطف نوع دوستی بوده ؛ بهترین زندگی فردی و اجتماعی را دارا باشند . و با طریقی آنان را بار آورد که بی رحم ترین و خشکترین روحیه‌ها در آنان بوجود آید پس باید گفت : وضع زندگی يك اجتماع بستگی کامل بروش تربیتی مسئولین امر همان اجتماع خواهد داشت چنانکه گفته‌اند : « الناس علی دین ملوکهم » .

آنها که دلسوز ملتند هیچگاه حاضر نیستند مناظر ضد عاطفه در انتظار مردم و جوانان کشور قرار گیرد . زیرا آنها میکوشند از هر راهی که شده میان افراد ، دوستی و برادری استوار گردد و در افکار آنان تلقین میکنند :

بنی آدم اعضای یکدیگرند * که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار * دگر عضوها را نماند قرار

۴ - تأثیر عاطفه در نسل بشر :

خدای بزرگ در نهاد مادر آنچنان علاقه‌ای نسبت به فرزندان ایجاد فرموده که حاضر است سختیهای بسیار به بیند تا کودکش را بزرگ کند ، او را تحویل جامعه داده با فرهنگ سالم و تربیت کامل ، دانشمندی عالی مقام و یا مخترعی بمانند شود .

میتوان گفت : پدید آورنده این همه صنایع و اختراعات مدتهاست جت‌ها ؛ قمرهای مصنوعی ، اتم و ... همانا احساسات پاک مادر است . لذا رهبران دینی پاداش این خدمت بزرگ در مقام مادر گفته‌اند : **الجنة تحت اقدام الامهات** یعنی : بهشت زیر قدمهای مادران است .

سال گذشته روزنامه کیهان عکس جالبی داشت : در این عکس نزدیک است موتورسیکلتی در حال سرعت کودکی را زیر بگیرد ؛ مادرش هراسان خود را سپر بلا قرار داده ، با مجروح شدن خود طفلش را از مرگ حتمی نجات میدهد . آری کودک تنها در سایه عواطف و مهر بانیهای مادر ، از خطرهای نجات می‌یابد و جسم و روحش رشد میکند . و دامن گرم پر مهر مادران است که فرزندان را سالم و نیرومند تقدیم اجتماع میکند . و غالباً آنها که در کودکی از نعمت مادر و یا پدر مهربان بی‌بهره بوده‌اند و سرپرست دلسوز ، نداشته‌اند بیشتر شرور و ناراحت بوده و تیپ چاق و کوش و او باش را ترتیب میدهند . یک بازرسی و تحقیق از وضع زندانیان جنائی این معنی را کاملاً روشن می‌سازد .

۳ - باید عقل رهبر عواطف باشد

عواطف و احساسات ، بشر را بجانب خواسته‌ها تحریک میکند ، و دیگر بصلاح و فساد و عاقبت کار توجهی ندارد .

عشق ، عاشق را شیفته جمال دل‌آرای محبوب کرده او را همانند اسبی سرکش بسوی یار میکشاند ، پروانه دلباخته شمع است ، آتش و سوختن را نمی‌فهمد آنقدر بگرد معشوقش می‌چرخد تا جان بسپارد !

بنا بر این عواطف بشر نیازمند رهبر است ، رهبری می‌خواهد که تحت تأثیر احساسات او قرار نگیرد و بخوبی او را از مسیر خطر بدور دارد . خداوند عقل را باین منظور آفریده ، و در مملکت بدن با حکومت مطلق بخشیده است .

پس باید دانست : عقل است که ما را از سقوط در پرتگاه فیستی نجات میدهد زیرا عواطف ما هیچگاه اجازه نمیدهد دست کسی را قطع کنیم ، ولی عقل بحکم شرع میگوید : برای اینکه مال و ثروت مردم در معرض چپاول غارتگران قرار نگیرد ، و دزدی در بین مردم ترک شود باید دست دزد را قطع کرد .

احساسات و عواطف میگویند : آدم کشی ناپسند است ولی عقل میگوید : برای تسهیل جان خود و مردم باید قاتل را فوراً اعدام نمود .
با آنهمه مهری که مادر نسبت به فرزندش دارد گاهی عقل با او میگوید : گرچه فرزند جگر گوشه تو است لکن باید او را تنبیه کنی تا بی ادب بار نیاید .

پس معلوم شد ، عاطفه بی دهبی عقل فساد آوراست و اگر در اجتماعات فقط عواطف و احساسات حکومت کنند در آنجا هرج و مرج و ناامنی ایجاد میشود ؛ زندگی در آن محیط طاقت فرسا ؛ دزدی و بی عفتی و جنایات فراوان ، تمایلات و شهوات زورمندان فرمانروای مطلق است . لذا خداوند متعال در قرآن مجید ضمن آیه شریفه « ان الله یأمر بالعدل والاحسان » (۱) عدل و احسان را که هر دو موافق عقل و عواطفند در ردیف یکدیگر قرار داده و مردم را مأمور با جراء هر دو میسازد .

۴ - عاطفه از نظر اسلام

برای بدست آوردن معنی عاطفه از نظر اسلام باید آیات قرآن و گفتار بزرگان را بررسی کرد .

آیات قرآن : ۱ - بسم الله الرحمن الرحیم : بنام خداوند بخشنده مهربان این آیه که افتتاحیه تمام «وره های قرآن است ، خود دلیل بزرگی بر عنایات و الطاف خداوند بر بندگان است . و بما نشان میدهد که : آفریدگار ما دوست میدارد بندگانش او را بوصف مهربانی و بخشنندگی یاد کنند .

۲ - واحسنوا ان الله یحب الهمسین (۲) ترجمه : نیکوئی کنید که خدا نیکو کاران را دوست میدارد .

۳ - ان الله یأمر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی (۳) ترجمه : خداوند امر میکند بمیانہ روی و نیکوئی و رسیدگی بنزدیکان .

۴ - انما المؤمنون اخوة : (۱) ترجمه : همانا مؤمنین برادرانند .
و آیات بی شمار دیگری که در آن بدان زکوة ، دستگیری بیچارگان ، نوازش
ایتم ، و تربیت آنان امر اکیده شده است .

۵ - گفتار بزرگان دین :

از پیشوایان دین درباره عاطفه اخبار بسیار رسیده است . آنان همواره با
گفتار و رفتار خود عواطف مردم را در جهت عقل رهبری فرموده اند . ما ذیلا
برای نمونه چند روایت نقل میکنیم :

۱ - رسول اکرم (ص) میفرماید : **نظر المؤمن فی وجه اخیه حیا**
له عبادة (۲) یعنی : نگریستن مؤمن بصورت برادر دینی از روی محبت
عبادت است .

۲ - باز آنحضرت میفرماید : **من هجر اخاه فوق ثلاثة دخل النار**
(۳) : کسیکه از برادر دینی خود بیش از سه روز (بدون انقضاء قهر) کناره گرفت
بآتش میرود .

۳ - **امیر المؤمنین (ع) فرموده : من احسن الحسنات عيادة المريض (۴) :**
از بهترین نیکوییها عیادت بیمار است .

۴ - حضرت امام جعفر صادق (ع) میفرماید **تواصلوا وتباروا وتراحموا**
و تعاطفوا (۵) یعنی : پیوند را محکم کنید و با یکدیگر نیکی ننمایید
و با هم مهربان و عطاوف باشید . تا آنجا که حضرتش ضمن نصایحی بعد از بن جندب
میفرماید : **و احسن الی من اساء الیک (۶)** نیکویی بنما بآنها که با تو
بدی میکنند .

آری احسان کمندی است بر گردن مردم ، و حتی حیوانات درنده و وحشی هم
بسیار شنیده و دیده شده در مقابل احسانی که از بشر دیده اند متواضع شده اند .

۶ - دانشمندان جهان چه میگویند؟

دانشمندان و نویسندگان در مقالات و کتابهای خود در این باره بحث ها

(۲) سورة بقره آیه ۱۹۵ (۱) سورة حجرات آیه ۱۰

(۲) جامع الاحادیث ص ۲۶ (۳) جامع الاحادیث ص ۲۴

(۵-۴) اقوال الائمة

(۶) تحف المتول - صفحه ۳۵۹

کرده و نظریاتی اظهار نموده اند که ما چند جمله از آنان نقل میکنیم :

تولستوی نویسنده روسی میگوید: چقدر بد است، زندگانی که در آن محبت وجود ندارد و چقدر زیبا است حیاتی که در آن محبت است .

باز همین دانشمند میگوید : سعادت حقیقی محبت بدیگران است .

ارسطو میگوید : دوستی و محبت کیفیتی است روحی که دو جسم را بهم می پیوندد .

ولتر نویسنده فرانسوی میگوید : هیچ چیز مثل کمک به بیچارگان خون راتازه نمیکند . (۱)

۷ - از بین رفتن عواطف و ضرر آن

بسیار اتفاق می افتد که بعضی از مردم با عاطفه و مهربان که در او و خویزه پیشقدم بوده و همیشه به بیچارگان و زبردستان رسیدگی نموده و با دوستان خوش رفتار بوده و با آنان اظهار دوستی میکردند . یکباره عوض میشوند و نهاد و سرشت اولی خود را از دست میدهند! برخلاف انتظار با مستمندان سروکار ندارند و اگر هزاران بینوا جلوی چشم آنان از گرسنگی بمیرند ، احساس ناراحتی نمیکند و با دوستان دیرین خود در شمی میکنند . این تحول ناگهانی از کجا سرچشمه گرفته ؟

پی بردن بر ماین تغییر روحیه احتیاج بمطالعه در اوضاع و محیط معاشرت آنان ندارد . بیشتر در اثر آلودگی محیط و رفاقت با مردم شرور و آمدورفت در مجالس قمار ، دیدن قبیله های جنائی و شهوانی ، و شرابخواریها و ... که از سوغاتهای تمدن غرب است ، افراد ، روح پاک و عواطف سالم خود را از دست میدهند و در نتیجه از صورت انسانی بیرون رفته ، بشکل يك حیوان درنده و خونخوار در می آیند .

برای اینکه در اینگونه محیطهای آلوده و معاشرتهای نامشروع ، گذشته از اینکه از اصول انسانیت و نوع دوستی صحبتی بمیان نیاید و قهر احساسات انسانی خفه شده و راکد میماند ، بیشتر منظره های سنگدلی و بی رحمی و کینه توزی و جنگ و جدل مجسم میشود و کم کم عواطف را از بین برده بجای آن خشونت و بی رحمی

جایگزین خواهند شد .

خسر از دست دادن عاطفه : البته معلوم است ضررهائی که از این تحول قهرمانی بجامعه میرسد بسیار است و نوع آن باختلاف ملل و نژادها مختلف خواهد بود .

مثلاً اشخاص زیرک و تیرسو مانند ملت یهود اگر در اثر آلودگی محیط عواطف فطری خود را از دست دهند زبان آنها بیشتر؛ از طریق ایجاد فتنه و حقه بازی و بی ناموسی است بحدی که حاضرند برای بدست آوردن منافع مادی دختران و زنان خود را برای گمان تقدیم کنند . ولی مستقیماً جنگ نمیبپردازند (۱) نقطهٔ مقابل یهود ، اعراب و بادیه نشینان هستند که در صورت فقدان عاطفه ، شهوت جنایتکاری خود را از راه خونریزی ، چپاول و غارت و انقلاب تسکین میدهند، و این دسته کمتر کارهای خلاف عفت انجام میدهند؛ و در ناموس خود بی نهایت متعصب خواهند بود و حتی حقه بازی ، شیادی ؛ بی ناموسی را تنگ و خلاف مروت و جوانمردی می شمارند ، همانطوریکه پیش از طلوع اسلام در اعراب متداول بود که دختران خود را زنده بگور، بکودند و دختر را مایهٔ ننگ میبنداشتند .

۸ - نقشه های استعمار

دول استعمارگر جهان برای تثبیت مبانی حکومت خود در کشور های ضعیف و باصطلاح عقب مانده بنقشه های گوناگون پناهنده میشوند و اصولاً وجدان و رحمت را در سیاست خود بی مورد میدانند .

خصوصاً در کشورهای اسلامی میکوشند تا بوسیلهٔ برنامه های استعماری خود کانونهای فساد و مراکز جنایات را گسترش داده ، از فاضل اخلاقی و وجبات ترقی بکاهند . برای تأمین همین منظور گاهی بوسیلهٔ سینماها و تهیه و پخش فیلمهای مسموم و خطرناک و گاهی با آزادی مسکرات و فروش آن وزمانی با مقالات فاسد کننده و روزی نامه های پراز عکسهای عریان و تبلیغات رادیو و .. احساسات پاک مردم را آلوده و از راه عقل منحرف سازند تا جامعه فاسد شده ، دزدی ، قتل ، غارت ، جنایت و بی عفتی در میان آنان رائج گردیده ، درهای ترقی بروی آنان بسته شود تا بخوبی بتوانند اقتصادات آنان را قبضه کرده منابع سرشار خدادادی آنها را بدون مزاحمت در تصرف خود در آورند .

(۱) مطالعه کتاب اسرار سازمان مخفی یهود این معنی را روشن میکند

ولی اگر مردم این کشورها با تدبیر باشند و از اشاعه فحشاء و توسعه فساد جلوگیری کنند، ایادی استعمارگران نمیتوانند ملتی را بیچاره و از هستی ساقط کنند.

نکته قابل توجه اینکه ماسلمانان یا نمیتوانیم یا نمیکذارند از وسائل تمدن استفاده‌های مشروع کنیم، و سینماها و تلویزیونها و رادیوها را برای اصلاح جوانان و تربیت نوباوگان بکار اندازیم.

درفری که سال گذشته با یادان کردم به پیرمردی برخورد نمودم و باهم بصحبت پرداختیم سخن از تلویزیون بمیان آمد؛ او در این زمینه داستانی از پسر خود نقل کرد که از آن میتوان بنقشه‌های استعماری پی برد او میگفت: چندی قبل پسرم از اروپا برگشته بود، پس از سالها که در آنجا تحصیل کرده و تازه بوطن خود آمده بود هنوز از ترقیات کشورش خبر نداشت، شب هنگام برنامه تلویزیون برایش یک یک برنامه‌ها را گرفتم، پس از مشاهده برنامه‌های آن بسیار متعجب شده ناراحت گردید از من تقاضا کرد که هر چه زودتر این لانه فساد را از خانواده دور کنم.

میگفت: در اروپا که شنیده بودم ایران هم تلویزیون دارد، بسیار خوشحال شدم که کشور ما هم دوشادوش ممالک مرفعی پیشرفته ولی تا بحال از برنامه‌های فاسدکننده آن بی‌خبر بودم.

در کشورهای اروپا تلویزیون از مهمترین وسائل تربیتی مردم بشمار میرود، و برای مردم مانند یک کلاس درس است، در مراکز عمومی شهرها از قبیل رستورانها، میدانها، کافه‌ها دستگاه‌های متعددی نصب کرده‌اند، و برای استفاده عموم، هر شب یک قسمت از امور فنی و کشاورزی را بمردم می‌آموزند.

مثلا در قسمت کشاورزی یک شب سبک‌شیار زمین و شب دیگر طرز تخم افکنی و شب دیگر طرز نشان دادن رخت و روش مبارزه با آفات و ... را نشان میدهد. و یک برنامه، مخصوص باسواد کردن مردم است که از روز معینی شروع میکنند و سالانه چند کلاس تدریس میکنند.

ولی متأسفانه این وسیله مهم علمی در کشور ما بصورت سم کشنده‌ای برای خانواده‌ها درآمده است. و آن قدر این مطلب شور شده است که داد مسئولین امر بالارفته. آنمرد میگفت: حرفهای پسرم در من اثر گذاشت و فردای آنشب تلویزیون را فروختم.